



۱۵/۰۷/۲۰۱۵

جلیل غنی

آیا مذاکره با طالبان گره گشای معضله افغانستان است؟

پس از تقاضای بیش از هشتاد بار برای مذاکره با طالبان از طرف حامد کرزی رئیس جمهور پیشین و تقاضای آغاز مذاکرات مستقیم از طرف حکومت وحدت ملی، از همان روز اول آغاز کار این حکومت، بالاخره هفته گذشته نخستین دور این مذاکرات بین هیات افغانی و یک هیات طالبان از شورای کویته و نماینده شبکه دهشت افکن حقانی در منطقه تفریحگاه مری در نزدیک اسلام آباد پایتخت پاکستان دایر شد.

در زمینه سازی این مذاکرات پاکستان نقش داشت و بار دیگر ثابت گردید که طالب بدون اجازه ولی نعمتش به میز مذاکره نخواهند نشست. دور اول این مذاکرات باز هم تحت نظر پاکستان و با اشتراک مامورین آن به عنوان ناظر، و با حضور ناظرینی از ایالات متحده آمریکا و چین دایر گردید. و طوریکه گفته میشود قرار است دور مذاکرات بعدی در چین دایر گردد.

بگذریم از اینکه از نگاه پروتو کول آیا هیاتهای دو طرف افغانستان و طالبان هم سویه و معادل بود یا نه و آیا هیات طالبان به حیث یک گروه و جریان سیاسی اشتراک کرد و یا به نمایندگی از امارت اسلامی! افغانستان. چون اگر این هیات به نمایندگی از امارت اسلامی بوده باشد دران صورت موجودیت یک اداره موازی با حکومت وحدت ملی بطور ضمنی از طرف حکومت جمهوری اسلامی افغانستان به رسمیت شناخته شده که این نه تنها سوال بر انگیز است بلکه در دوره های بعدی مذاکرات مشکل زا است و نمایندگان طالبان به خود حق خواهند داد برای بدست آوردن امتیازات و به حیث یک جناح مساوی با حکومت کابل ادعای غیر قابل قبول برای ملت افغانستان داشته باشند که نتیجه این مذاکرات را نا کام خواهد ساخت و طوریکه امر الله صالح رئیس پیشین امنیت ملی افغانستان در مصاحبه با سرویس دری صدای امریکا در 12 جولای گفت این هیات «به حیث نماینده امارت اسلامی درین مذاکرات نشسته بود.»

داکتر اشرف غنی رئیس جمهور افغانستان در بیانیه به کنفرانس شانگهای در روسیه در دهم جولای 2015 به صراحت خطاب به رهبران کشور های این حوزه گفت افغانستان دو دشمن اساسی دارد دهشت افکنی و مواد مخدر و افزود «این دهشت افکنان از کجا می آیند؟ تعداد قابل ملاحظه آنها از کشور های شما می آیند و از قلمرو ما برای بی ثبات ساختن کشور های شما و سایر کشور های منطقه استفاده میکنند ما لازم است که این مشکل را بشناسیم و اینها مردمانی هستند که با حکومت افغانستان مشکلی ندارند آنها برای بی ثبات ساختن منطقه ما تشکل داده شده اند... دهشت افکنانی از آسیای میانه هستند، از روسیه، از چین هستند که ما را هدف قرار میدهند همچنان دهشت افکنانی از عربستان سعودی و عربهای شرق میانه هستند که ما را هدف میگیرند و جریان ورود این دهشت افکنان از پاکستان ادامه دارد که هم ما و هم پاکستان را هدف قرار میدهند» ولی رئیس جمهور افغانستان فراموش کرد که از دهشت افکنان ازبک نام بگیرد. روز یکشنبه 11 جولای والی سرپرست فاریاب در رابطه با نا امنی ها دران ولایت اظهار داشت که سه صد دهشت افکن ازبک در فاریاب جایجا شده اند. رئیس جمهور افغانستان در ادامه این بیانیه گفت: «طالبان یک مشکل افغانی است و مسرورم و میخوامم از حکومت های پاکستان، ایالات متحده و چین تشکر کنم که زمینه نخستین مذاکرات مستقیم را فراهم نمودند ..»

بار اول بود که یک رئیس دولت افغانستان در یک کنفرانس عمده منطقوی و رو در روی رهبران این کشور ها از حضور دهشت افکنان این کشور ها در افغانستان با صراحت یاد آور شد و اقدامات مشترک و هم نوا را برای مقابله با این معضله منطقوی تقاضا نمود.

اشتباه نشود که سعی بر این است تا برای رئیس جمهور غنی تبلیغ شود (چون من هم غنی تخلص میکنم ولی هیچ گونه رابطه قومی و یا سمتی با ایشان ندارم رئیس جمهور از قوم احمد زی و از لوگر هستند و من از هرات) اما برای روشن شدن مطلب نقل قول های از بیانیه رئیس جمهور انتخاب گردید.

ولی آیا مذاکره تنها با یک جناح از مخالفین مسلح متضمن صلح پایدار در افغانستان هست؟ و آیا صداقتی در تعهد لفظی پاکستان و اقدامات عملی آن کشور برای همکاری صادقانه در تامین صلح در افغانستان به مشاهده خواهند رسید؟ و سوالات دیگری که اعمال و پشتیبانی پاکستان از دهشت افکنان و تمویل و تجهیز این دهشت افکنان در خاک آن کشور و مخصوصاً همکاری نزدیک دستگاه استخبارات نظامی آی اس آی با مخالفین مسلح افغانستان خلق

نموده تا چه اندازه میتوان به آن اعتماد نمود. درین دور اول مذاکرات گفته شد که اعتماد سازی بین دو جانب مذاکره کننده صورت گرفت آیا چنین اعتماد سازی بین افغانستان و پاکستان به حیث حامی و صادر کننده این مخالفین هم به عمل آمده است؟ همین دو روز قبل اعلام شد که در فاریاب یکی از مامورین آی اس آی پاکستان در حمله کشته شدگانی است که در صف طالبان و دهشت افکنان علیه قوای حکومت افغانستان می جنگیدند. نگاه های نواز شریف صدراعظم پاکستان در هنگام ایراد بیانیه داکتر غنی نا آرامی و خشونت او را تبارز میداد و رهبران سایر کشور های منطقه هم توقع نداشتند با چنین صراحتی با آنها صحبت شود. اینکه پیشنهاد های آقای غنی برای رفع این معضله منطوقی و همکاری صادقانه و همه جانبه کشور های منطقه مورد قبول واقع میشود یا نه سوالی است که آینده به آن جواب خواهد داد.

بر میگردیم به آغاز و دوام این مذاکرات بین افغانستان و مخالفین مسلح یعنی طالبان و شبکه حفانی، که طبق گزارش ها نماینده آن شبکه نیز درین مذاکرات اشتراک داشته است. از خلال گزارش ها و نشرات رسانه و همچنان اظهارات منابع معتبر افغانی چنین بر می آید که بین طالبان و حزب اسلامی گلبدین حکمتیار، یکی از متحدین آنها، نیز اختلافی بروز کرده و هفته گذشته بود که از قول حکمتیار گزارش داده شد که در درگیری های بین گروه داعش و طالبان از داعش دفاع خواهد کرد گرچه این گزارش بعداً از طرف سخنگوی او تکذیب گردید. از جانب دیگر بین شورای کویته به رهبری ملا عمر هم اختلافاتی وجود دارد و تعداد دیگری از طالبان هم که دل خوشی از رهبری شورای کویته نداشته اند یا به داعش پیوسته اند و یا به گروه های کوچک دیگر تقسیم شده اند. حزب اسلامی حکمتیار هم که از سقوط آخرین حکومت تحت الحمایه شوروی وقت به رهبری داکتر نجیب در 1992 در صف مخالفین قرار گرفت تا کنون به این مخالفت ها با هر حکومتی که در کابل رویکار شده، ادامه داده و در از گاهی جهت تغییر میدهد ولی هیچ گاه از مخالفت با حکومت های افغانستان دست نکشیده است. گر چه این حزب نیز منشعب شده و تعدادی از انشعابی های آن هم اکنون در حکومت وحدت ملی و سایر گروه های سیاسی جذب و فعالیت دارند ولی باز هم یکی از مخالفین مطرح شمرده میشود.

گروه نو ظهور داعش گر چه برای بی ثباتی آسیای میانه خواسته باشد جای پائی برای خود در افغانستان داشته باشد، باز هم با حکومت افغانستان طرف قرار می گیرد و بنا بران یکی دیگر از گروه های به حساب می آید که تهدیدی بر امنیت و ثبات افغانستان است مخصوصاً که طالبان کهنه کار و جنگ دیده به آن پیوسته اند. با این حال دیده میشود که طالبان شورای کویته فقط یکی از چند گروه در حال جنگ در افغانستان هستند نه تمام مخالفین مسلح و لذا تامین امنیت و ثبات کامل ولو که با این گروه توافقی صورت بگیرد و آتش بسی اعلام شود، که بعید هم به نظر میرسد، تامین نخواهد شد.

با آغاز این مذاکرات سر و صدا های از جامعه مدنی، مدافعین حقوق زن، سیاستمداران، رهبران جریان های سیاسی و نخبه گان بلند است که سهمی به آنها هم در ترکیب هیات مذاکره کننده داده شود. اما تعدد اشتراک کنندگان و جریان های متنوع در چنین مذاکرات نه تنها که نتیجه مطلوبی را به بار نخواهد آورد بلکه باعث تشتت و پراگندگی و طولانی شدن مذاکرات بدون نتیجه مطلوب خواهد شد و از جانب دیگر نقش حکومت را به حیث نماینده قاطبه ملت افغان تضعیف خواهد نمود. حکومت به حیث نماینده همه مردم افغانستان مکلف به حفظ منافع ملی و دفاع از حقوق همه اتباع افغانستان اعم از زن و مرد است و هر قرار داد و میثاق و معاهده و موافقتنامه و یادداشت تفاهمی که منعقد میگردد باید بین دول باشد نه افراد و جریان های متفاوت. اشتراک سایر جریانها و گروه ها در ترکیب هیات های مذاکره کننده بیانگر عدم اعتماد ملت به حکومت شان است. حالا اینکه حکومت افغانستان جوابگوی تمام نیاز مندی های مردم افغانستان هست یا نه؟ و ملت از این حکومت راضی هست یا نه؟ و این حکومت توانسته مطابق به نام خود ممتل « وحدت ملی » باشد یا نه؟ سوال های دیگری است و مربوط میشود به بحث های داخلی که وقتی با گروهی و یا کشوری روی مسایل ملی و جنگ و صلح بحث و مذاکره میشود، حکومت ها، خوب و یا بد، از ملت های شان نمایندگی میکنند و در برابر ملت و نمایندگان آنها جوابگوی هستند. مثال بارز آن در همین بیست و چهار ساعت گذشته موافقتنامه تاریخی بین ایالات متحده آمریکا و ایران روی پرو گرام هسته ای آن کشور به امضا رسید و کانگرس امریکا به نمایندگی از مردم این کشور باید آنرا تأیید و یا رد نماید و در آنجاست که نقش گروه ها و جریان های موافق و مخالف متبازر میگردد نه اینکه در تقریباً دو سالی که مذاکره جدی درین مورد بین ایران و پنج کشور عضو دایمی شورای امنیت ملل متحد به اضافه جرمنی دوام داشت، گروه های موافق و مخالف این برنامه در ترکیب هیاتهای اشتراک کننده شامل می بودند.

د پانوی شمیره: له 2 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوولې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپیکنی د لیکنیزې ښې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

امر الله صالح رئیس پیشین امنیت ملی افغانستان در مصاحبه با صدای امریکا در دوازدهم جولای گفت « با طالب نباید گروه ها گپ بزنند، با طالب دولت باید صحبت کند چون بزرگترین دست آورد افغانها در چهارده سال گذشته چیزی به جز ظهور یک دولت نیست و ما نباید دولت را، هیبت آنرا، صلابت آنرا، و حضور آنرا زیر شعاع قرار بدهیم که دران صورت همه ما ضرر می کنیم به حیث یک ملت ضرر می کنیم. خواست پاکستانی ها همیشه این بوده که طالب محور باشد دیگران به طالب مراجعه کنند در قطر همین طور شد، در ناروی همینطور شد و در فرانسه همینطور شد»

حالا این مذاکرات به کجا خواهد انجامید. افغانستان اعلام نمود که به استثنای فصل اول (دولت، شامل بیست و یک ماده) و فصل دوم (حقوق اساسی و وجایب اتباع، شامل 38 ماده) قانون اساسی سایر فصول مورد بحث قرار گرفته میتواند.

این نخستین امتیاز دهی برای تداوم مذاکرات است که حکومت افغانستان پیشکش نموده است. پالیسی اعلام شده ای حکومت افغانستان این بوده است که طالبان قانون اساسی افغانستان را به پذیرند، سلاح بر زمین گذارند و شامل عملیه سیاسی افغانستان گردند. در نخستین گام دیده میشود که هیچگونه تاکیدی بر این پالیسی نشده و پیش از همه قانون اساسی افغانستان به حیث معتبرترین وثیقه ملی، که نمایندگان ملت حق تائید و یا رد آنرا دارند، مورد معامله قرار گرفته است و آمادگی برای بحث بر این قانون اعلام شده است. از جانب دیگر رهبران حکومت وحدت ملی که بر اساس یک توافق سیاسی بعد از انتخابات جنجال بر انگیز و بی نتیجه ریاست جمهوری و با پا در میانی جان کری وزیر خارجه ایالات متحده تشکیل گردید، تعهد سپردند که طی دو سال بعد از وارد کردن اصلاحات در کمیسیون های انتخاباتی و تدویر انتخابات ولسوالی ها و تکمیل لویه جرگه منطبق بر ماده یکصد و دهم قانون اساسی که حکم میکند:

لویه جرگه عالی ترین مظهر اراده مردم افغانستان میباشد. لویه جرگه متشکل است از:

1 - اعضای شورای ملی

2 - روسای شورا های ولایات و ولسوالی ها

وزرا، رئیس و اعضای ستره محکمه و لوی سانوال میتوانند در جلسات لویه جرگه بدون حق رای اشتراک ورزند. قانون اساسی افغانستان را تعدیل نمایند و نظام پارلمانی را تشکیل دهند.

طالبان که نه به انتخابات اعتقاد دارند و نه با پارلمان و هر دوی آنرا دسیسه غربی و مغایر اصول شان میدانند، آیا تعهدی که هم رئیس جمهور و هم رئیس اجرائیه سپرده اند در تناقض قطعی با این تسلیم طلبی و خوش خدمتی هیات افغانی قرار ندارد؟ گذشته نظام پارلمانی در افغانستان در دهه قانون اساسی دوران پادشاهی ظاهر شاه (1343- 1352) نیز کار آبی چنین نظامی را بیاد می آورد و ملت هم برای باز داری از یکه تازی ها و تمرکز قدرت به یک مرجع، با تجربه تلخی که از حکومت خود کامه حامد کرزی دارد، از چنین نظامی بر مبنای اظهار نظر های اهل خیره پشتیبانی میکند، دران صورت سر نوشت سیاسی و تشکیلاتی یک نظام مردم سالاری که مردم افغانستان پس از سی سال جنگ و خونریزی به آن دست یافتند چه خواهد شد؟ جواب سرمایه گذاری های جامعه بین المللی، ریختاندن خون هزاران مرد و زن افغان و اتباع چهل و دو کشور دیگر که برای پایه گرفتن یک نظام مردم سالار در افغانستان قربانی دادند و هنوز هم قربانی میدهند و ملیارد ها دالر را برای بر آورده ساختن این مامول مصرف کرده اند کی خواهد داد. چه مرجعی پاسخگوی قربانی های هزاران بیگناه و اطفال معصومی خواهد بود که هنوز هم حتی در مساجد قربانی بم گذاری های دشمنان مردم افغانستان میشوند. چه کسی از ملت افغانستان بخاطر این همه قتل و خونریزی و قربانی گرفتن عفو خواهد خواست؟

این بدان معنی نیست که نباید برای حل این معضل و ختم خونریزی مذاکره شود ولی باید دشمن را شناخت و از موضع قدرت و حق طلبی به میز مذاکره نشست و همان طوریکه رئیس جمهور به سایر رهبران منطقه گفت این دهشت افگنان از کشور شما می آیند باید برای طالبان هم گفت که هزاران بیگناه و معصوم را قربانی نموده اید و نخستین کاری که میکنید باید از مردم افغانستان عفو بخواهید و بعد میتوان در مذاکرات به نتیجه رسید

پایان

د پانوی شمیره: له 3 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پټه له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولئ